

چیستی، انواع و جایگاه علم و علم‌آموزی در قرآن کریم

نویسنده: سیده صدیقه موسوی^۱

چکیده

آیات قرآن معانی زیادی برای علم لحاظ گردید که عبارتند از: دانستن، آگاهی، حجت، نور و روشنایی. البته به دلیل اینکه علم از واژگانی است که مورد توجه ویژه قرآن قرار گرفت، در راستای تبیین دقیق آن، می‌توان به کاربرد آن در آیات و همچنین معناشناسی واژگان هم‌معنا و متقابل آن اقدام نمود. مهم‌ترین واژگان هم‌معنای علم عبارتند از: تدبیر، تفکر و تعقل. همچنین واژگان متقابل آن عبارتند از: جهل، ظن، عمون، ضلال و هوی. براساس مراتب مختلف علم که وجود خداوند و سایر مخلوقات را شامل است، می‌توان گفت ماهیت علم عبارت است از: وجودی محض، مجرد و مشکک. مطابق مطالعات به انجام رسیده، می‌توان علم را بر اساس نوع، موضوع، ابزار تحقق، نحوی تحقق و کاربرد، تقسیم‌بندی نمود. در نگرش اسلام، علم و دانش برترین فضیلت و از اهداف عالیّه انسان است که موجبات کسب فضایل الهی را فراهم می‌نماید. انسان با علم و آگاهی راه سعادت خود را درمی‌یابد و در مسیر درستی، خود را به منزل مقصود می‌رساند. در این نگرش، به دلیل اهمیت علم و نقش آن در سرنوشت بشر، برای فراگیری آن هیچ محدودیتی قائل نیست. البته تأکید اسلام بر آموختن علمی است که برطرف‌کننده‌ی همه‌ی نیازهای مادی، روحی و الهی گردد.

کلیدواژه: علم، علم‌آموزی، قرآن کریم، تفکر، دانش.

۱. مقاله سطح دو حوزه علمیه حضرت زینب سلام الله علیها شهرستان امیدیه.

مقدمه

قرآن به عنوان کتاب آسمانی اسلام، برای راهنمایی و سعادت بشر نازل شده است؛ لذا می‌بایست حامل و سرشار از حقایق و علوم ناب و ارزشمندی باشد که توان تضمین و تحقق این سعادت را داشته باشد. از این رو، اهمیت ویژه‌ای به مسئله علم داد و در جای جای آیات به تناسب بحث، آن را مطرح می‌نماید. تبیین مسئله‌ی علم و معرفت در قرآن کریم با اندک تأملی در آیات قرآن مشاهده می‌شود که واژه‌ی «علم» با تمام مفرداتش، همچنین اسباب تحصیل علم و معرفت؛ مانند قلوب، عقول، تعقل، تدبر، خرد، دارای اهمیت ویژه است. به همین دلیل، حدود یک چهارم قرآن درباره علم و دانش است. بدین جهت عجیب نیست که اولین آیاتی که بر رسول خدا (ص) نازل شد در باب علم، خواندن، معرفت و شناخت است. فراتر از این اساساً خلقت انسان همراه علم و معرفت بوده است، چنان که قرآن به آن اشاره می‌کند: «سپس علم اسماء [علم اسرار آفرینش و نامگذاری موجودات] را همگی به آدم آموخت. بعد آنها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: اگر راست می‌گویید، اسامی اینها را به من خبر دهید!».

در این پژوهش به چیستی علم، تقسیم بندی آن و ارزش علم و آموزی در آیات و روایات پرداخته می‌گردد.

معنا و ماهیت علم

واژه‌ی «علم» ۱۰۵ بار در قرآن کریم تکرار شده، البته مشتقات آن در قرآن، بسیار زیاد است. این واژه در قرآن گاه به معنای دانستن^۱، یا اظهار و روشن کردن است^۲ و گاهی به معنای دلیل و حجت است. همچنین قرآن مجید گاهی از علم به عنوان نور و روشنایی یاد نمود.^۳ در این آیات، انسانی را که علم

۱. «قد علم کلّ اناسٍ مشرب» (*).

۲. «ثم بعثناهم لنعلم ای الحزین احصى لما لبثوا امداً» (*).

۳. «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ؟ بگو آیا نابینا و بینا یکسانند؟ یا تاریکیها و روشنایی برابرند» (رعد: ۱۵) و «وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ وَلَا الظِّلُّ وَلَا الْحَرُورُ؛ و نابینا و بینا یکسان نیستند و نه تیرگی‌ها و روشنایی و نه سایه و گرمای آفتاب» (فاطر: ۱۹-۲۱).

ندارد، به کور و تاریکی و انسان صاحب علم را به بینا و روشنایی تشبیه فرمود. در جایی دیگر، علم به عنوان خیر زیاد، معرفی شده است.^۱ همچنین می‌توان «علم» را به معنای نشان‌دار کردن، علامت گذاشتن، درک کردن و به حقیقت چیزی رسیدن دانست.^۲

در قرآن کریم «علم» از واژه‌های کلیدی است که متناسب با آن، واژه‌های دیگری مطرح است. لذا با توجه به کاربرد علم در قرآن و کلمات متقابل و هم‌معنای آن، برای تبیین بهتر معنا و ماهیت آن، سه بعد مد نظر قرار می‌گیرد. ابتدا به شناسایی ماهیت و معنای علم در بافت متن آیات، بدون توجه به کلمات متقابل و هم‌معنا پرداخته شود، سپس با استفاده از روش هم‌معنایی و تقابل، این واژه در بافت متن به نسبت کلمات متقابل و هم‌معنایی که در برابر آن به کار رفته، تبیین می‌گردد.

با مراجعه به متن آیات، می‌توان گفت علم به عنوان واژه‌ی محوری، در دایره معنایی مرتبط با خداوند، انسان و جهان هستی مطرح شده است. این واژه به صورت یک نقطه اتصال، از یک جهت احاطه‌ی خداوند بر انسان و هستی را بیان می‌کند و از جهت دیگر، راه رسیدن انسان به خداوند را هموار می‌کند. در این دیدگاه، جهان و هستی در یک دایره قرار گرفته و خداوند در رأس و مرکز آن است. انسان در طول خداوند است و صرفاً با ابزار علم و معرفت می‌تواند روند صعودی رسیدن به خداوند را طی کند. آیات ۲۲ و ۳۰ بقره علم خداوند به هستی و انسان را بیان می‌کند^۳ علم خداوند در این آیات دربرگیرنده شناخت و معرفت نسبت به هستی در تمام گستره زمانی و مکانی است به طوری که نمی‌توان حدود و ثغوری برای آن مشخص کرد. بخش دیگر معناشناسی علم در قرآن در ارتباط با انسان است. خداوند با آیات ابتدایی سوره مبارکه علق نشان می‌دهد که انسان مد نظر قرآن، از سطح علمی و معرفتی‌ای برخوردارست که خداوند به او هدیه داده و همین مسئله نیز برتری و تفاوت انسان را بر دیگر موجودات عالم هستی نشان می‌دهد. براساس این آیه، خداوند بخشی از علم نامحدود خود را در

۱. «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا؛ [خدا] به هر کس که بخواهد حکمت می‌بخشد و به هر کس حکمت داده شود، به یقین خیری فراوان داده شده است» (بقره: ۲۸۹).

۲. «...لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ...؛ شما به آنها آگاه نیستید، خداوند به آنها آگاه است» (انفال: ۶۰) و «...فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ...؛ هرگاه آنها را از زنان مؤمنه‌ای یافتید» (ممتحنه: ۱۰).

۳. «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فَرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ. إِذْ قَالَ رَبِّكَ لِمَلَأْتُكَ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَقَدْ سَلَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (بقره: ۲۲ و ۳۰).

اختیار انسان قرار داده تا با استفاده از آن قادر به شناخت عالم هستی و کسب معرفت نسبت به آن می شود. این معنا از علم که ابعاد معرفتی و شناختی به خود گرفته، نمی تواند صرفاً دربرگیرنده دانش و معلومات بشری باشد، بلکه بیانگر ابعادی از آگاهی و روشن گری در انسان است که می تواند عامل حرکت ساز باشد.^۱ معناشناسی علم در جنبه ی آگاهی و معرفت در ارتباط با انسان، سطوح مختلفی دارد. در قرآن علم به معنای آگاهی از این سطح محدود شروع شده و به سطوح بالا و معرفتی می رسد. بر این اساس، در بخشی از آیات، علم مد نظر به معنای آگاهی و شناخت از محیط پیرامون بوده که آن نیز برای انسانی و زندگی او در این جهان مادی لازم است. در آیه ۶۰ سورۀ بقره، علم به معنای آگاهی به محیط اطراف مد نظر است.^۲

بخش دیگری از معناشناسی علم در قرآن را می توان با روش هم معنایی دریافت. در این روش، کلمات هم معنای علم، صرفاً مترادف علم نیستند، بلکه در مواردی ابزار رسیدن به علم و معرفت را فراهم می کنند. در آیات متعددی از قرآن کلماتی به کار رفته است که جنبه ی معرفتی و شناخت انسان به جهان هستی را نشان می دهد. این کلمات در مواردی به صورت کلمات جایگزین علم به کار رفته اند و در موارد دیگر، مسیر و راه رسیدن به معرفت و شناخت را نشان می دهد؛ یعنی این واژه ها مقدمه و ابزاری برای دستیابی انسان به معرفت بحساب می آیند. مهم ترین این واژه ها عبارتند از: تدبر، تفکر، تعقل و حکمت. این واژه ها بیش از آنکه معنای معرفت و شناخت را برسانند، انسان را در مسیر معرفت و شناخت قرار می دهند. معرفت و شناخت که در نتیجه ی علم برای انسان حاصل است، باعث رسیدن و دست یابی انسان به حقیقت است. از همین رو، بررسی این واژه ها معنای «علم» در قرآن را روشن تر می سازد.

معنای تدبر

۱. شریعتی، علی، اسلام شناسی، ص ۲۲۰.

۲. «وَ إِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرْتُمْهَا زُنُورًا عِيسَىٰ قَدْ عَلَّمَ كُلُّ انْأَسِ مَشْرِبَهُمْ كُلُّوْا وَ اشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللّٰهِ وَ لَا تَعْوُوا فِی الْاَرْضِ مُفْسِدِیْنَ» (بقره: ۶۰).

«تدبر» به معنای تفکر و تأمل برای دستیابی به معرفت و تأویل و دریافتن معنای نیکو است.^۱ در این معنا، صاحبان خرد با توقف در آیات و تأمل در آن‌ها، می‌توانند به شناخت برسند.^۲ تدبر در این آیات به شکل‌های مختلفی معنا شده است؛ برخی آن را به معنای اندیشه کردن و پند گرفتن دانستند^۳ و در مواردی اندیشه کردن در دلیل این آیات و نشانه‌ها را منظور داشتند.^۴ به طور کلی، تدبر را مختص کسانی دانستند که اهل عمل اند^۵ و «ژرف اندیشی» به معنای اندیشیدن در پس ماوراء امور است که «دبر» از ریشه‌ی «تدبر» معنا می‌دهد. نتیجه‌ای که از تدبر به دست می‌آید کشف حقایقی است که در عاقبت اندیشی ظاهر سطحی به نظر می‌رسند. اما با دقت در آن‌ها می‌توان پی به معنای حقیقی آن برد.

تدبر با تفکر تفاوت دارد؛ تدبر بیشتر اندیشه در عواقب امور است، در حالی که تفکر، اندیشه در دلایل امور است و هرکدام به معرفت و شناخت (علم) منتهی می‌شوند. عیش از سبب آیه در قرآن به تدبر، تفکر و به چشم بصیرت قبل از رؤیت اشاره دارند. تفکر به قوه ادراک انسان مربوط می‌شود و آن ادراکی است که از طریق محسوسات به کشف مجهولات می‌رسد. بدین ترتیب، فکر را در لغت به معنای اندیشه و تأمل برای به دست آوردن واقعیات و عبرت‌ها و غیره تعریف کردند. در اصطلاح نیز فکر را اندیشه و عمل عقل در معلومات موجود برای دستیابی به مطلوب دانستند.^۶ با مراجعه به آیات^۷ مشخص می‌شود که تفکر تأکید بر اندیشیدن است^۸ تا با تأمل و دقت نظر در آنچه حواس ظاهر و باطن برای آگاهی به اسرار آفرینش و درک نظام هستی نیاز دارند، بنگرند. در این صورت، تفکر تصویری روشن و درست از شیء محسوس و غیرمحسوس به انسان می‌دهد تا حقیقت آن را بفهمد و

۱. محمود زمخشری، تفسیر الکشاف، ج ۴، ص ۸۷.

۲. رشیدالدین میبیدی، کشف الأسرار و عدة الأبرار، ص ۳۴.

۳. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ص ۵۵۸.

۴. محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۳۰۸.

۵. عبدالرحمن ابن ابی بکر سیوطی، لدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۸، ص ۳۴۸.

۶. اصفهانی، راغب، مفردات فی غریب القرآن، ص ۶۵۶.

۷. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۵، ص ۱۹۹.

۸. «سَخَّرَ لَكُم مَّا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ» (*) و «يَا أَيُّهَا النَّاسُ ارْجِعُوا إِلَى اللَّهِ ذَلِكُمُ الْوَجَدُ» (*).

۹. محمدرضا مظفر، النمط، ترجمه علی شیروانی، ص ۳۹.

اندیشانند که فراتر از نیازهای اولیه طبیعی و محسوسات به ارتباط نهانی دانش‌ها و ارتباط جهان هستی با آفریننده آن فکر می‌کنند و از هدفمندی آن‌ها سخن به میان می‌آورند.

در نگاه کلی قرآن، هر علمی که انسان را به دنیاپرستی سوق دهد و به چنگال مادیات بسپرد؛ فهم و شعور او را به طرف خواب، عیش و نوش بکشد و هدف نهایی او را تنها وصول به مادیات قرار دهد، چیزی جز ضلالت و گمراهی نیست. در قرآن کریم چنین آمد: «ذلک مبلغهم من العلم ان ربک هو اعلم بمن ضل عن سبیلہ! این آخرین حد آگاهی آنهاست و خداوند به حال آن که از راه حق گمراه شده آگاه است». پس علوم غیردینی نیز می‌تواند نقش آفرین بوده و موجبات سعادت آدمی را فراهم کند؛ صورتی است که هدف تلقی نشود، بلکه وسیله پیشرفت و رسیدن به کمال باشد. از طرف دیگر علوم دینی نیز اگر طالب آن قصد رسیدن به دنیا را داشته باشد، موجب بدبختی انسان می‌شود.

امروزه، قدر و منزلت یک ملت بسته به میزان تلاش علمی و دستاوردهای صنعتی آن است، کسانی که از فناوری رشد یافته برخوردارند و پیشرفت فناوری مدیون پیشرفت علوم مختلف طبیعی، نه تنها بر طبیعت بلکه سلطه خود را بر دیگر جوامع عقب مانده تر تحمیل کردند. گرچه ممکن است این جوامع عقب مانده به لحاظ اخلاقی از جوامع پیشرفته صنعتی بسیار جلوتر و متکامل تر باشند، ولی آنان چون علوم طبیعی را فرو نهاده و به آن اعتنای لازم را نکردند، همواره تحقیر می‌شوند و سرنوشت سیاسی و اقتصادی آنان را دیگران تعیین می‌کنند. بدیهی است که سلطه سیاسی آن کشورها هزار نوع آفت برای اینان داشته و حتی موازین اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی آنان را نیز در هم ریخته و اجازه آن را نداده که آنان در این حوزه‌ها فارغ از آنچه در دنیای پیشرفته می‌گذرد به راه خویش روند. بنابراین، اگر حفظ شوکت و عزت جامعه اسلامی از اهم واجبات است و بر این باوریم که: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»^۱ این غیرقابل انکار است که اگر مجد و شرف و عزت و عظمت اسلام را خواستاریم، لازم است با سخت کوشی بسیار در این راه گام برداشته تا عقب‌ماندگی‌های گذشته را

۱. نجم: ۳۰.

۲. **

جبران کرد. بنابراین، فراگرفتن علوم جدید لازم است؛ زیرا به کمک آن، نیازهای مختلف جامعه بر آورده می شود و عظمت و اقتدار هر ملت در گرو آن است.

بنابراین منظور اسلام درباره علم منحصر ا علوم دینی نیست؛ زیرا مطابق این نگرش، حکمت گمشده مؤمن است پس آن را باید به چنگ آورد، ولو اینکه بخواهید از دست مشرکان بگیرید. بنابراین تأکیدش تنها بر علوم دینی نیست. همچنین در جمله « اطلبوا العلم و لو بالصین »^۱، چین به عنوان دورترین نقطه و یا به اعتبار اینکه در آن ایام یکی از مراکز علم و صنعت جهان بوده، یاد شد. قدر مسلم این است که چین نه در آن زمان و نه در زمانهای دیگر مرکز علوم دینی نبوده است. گذشته از همه اینها در متن سخنان رسول اکرم تقیید و تحدید و تفسیر شده که مقصود چه علمی است؛ تحت عنوان علم نافع، علمی که دانستن آن فایده برساند و ندانستن آن ضرر برساند. بنابراین هر علمی که متضمن فایده و اثری باشد و اسلام آن فایده و اثر را به رسمیت بشناسد؛ یعنی آن اثر را اثر خوب و مفید بداند آن علم از نظر اسلام خوب و مورد توصیه و تشویق است؛ یعنی هر علمی که هدفی از اهداف فردی یا اجتماعی انسان را محقق کند و ندانستن آن، سبب اخلال در زندگی مسلمان ها شود، آن علم را اسلام توصیه می کند و هر علم که تأثیر سوء دارد با آن مخالف است. در نگاه اسلامی، علمی که نفع ندارد، مطلوب نیست. بنابراین علم یا خودش هدف بوده و یا مقدمه برای هدفی است؛ اگر خودش هدف باشد، واجب است؛ مثل اصول عقاید. اگر خودش هدف نباشد: اگر یکی از اهداف اسلامی متوقف بر آن باشد، از باب مقدمه واجب، واجب است. اگر چه علم، به نحو عام مطلوب است و گزینه کنجکاوی انسان را ارضا می کند، اما علومی که نیازهای مختلف انسان و جامعه را برآورده سازند، بیشتر مورد تأکید و سفارش قرار دارند و احادیث و آیاتی که از علم تجلیل می کنند و از مکانت و جلالت قدر عالمان سخن می گوید، شامل این دسته از علوم است. لذا می توان علومی را که موجب ضرر مادی و دنیایی و یا ضرر روحی و عقیدتی فرد و جامعه می گردد [مانند سحر، شعبده بازی و ...] در نگرش اسلام ممنوع دانست.

۱ . . هنری، حسام الدین، کنز العمال، بیروت، موسسه الرساله، ۱۳۹۹، روایت ۲۸۶۹۷.

۲ . مطهری، ۱۳۸۰، ص ۳۳-۳۴.

نتیجه‌گیری

سوال این پژوهش «بررسی و چیستی نگرش قرآن کریم به علم و علم‌آموزی» است. در ذیل این بحث چیستی علم، انواع تقسیم‌بندی که برای علم و همچنین ارزش و جایگاه علم و علم‌آموزی در آیات قرآن تبیین گردید.

«علم» در قرآن به معنای: دانستن، آگاهی، حجت، نور و روشنایی است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که برای تبیین چیستی علم می‌توان از شیوه تبیین واژگان هم معنا و متقابل با واژه علم استفاده نمود. مهم‌ترین واژگان هم‌معنای علم عبارتند از: تدبر، تفکر و تعقل. همچنین واژگان متقابل آن عبارتند از: جهل، ظن، عمون، ضلال و هوی. مطابق مطالعات به انجام رسیده، می‌توان علم را بر اساس نوع، موضوع، ابزار تحقق، نحوی تحقق و کاربرد، تقسیم‌بندی نمود. در نگاه قرآن، علم و دانش برترین فضیلت و از اهداف عالیه انسان است که موجبات کسب فضایل الهی را فراهم می‌نماید. البته با توجه به اهمیت ویژه علم در نگرش قرآن، می‌توان پژوهش‌های گسترده‌ای را در این باره به انجام رسانید.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، موسسه انتشارات حضور، ۱۳۸۱.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق.

۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار احیاء التراث، ج ۳، ۱۴۰۸.
۴. اصفهانی، راغب (ابوالقاسم حسین بن محمد)، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، دمشق و بیروت، دارالعلم و دارالشامیه، ۱۴۱۲ق.
۵. اصفهانی، راغب (ابوالقاسم حسین بن محمد)، مفردات فی غریب القرآن، تهران، مرتضوی، ۱۳۶۲.
۶. آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و درالکلم، شرح و ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، دفترنشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۸۰.
۷. جوادی آملی، عبدالله، معرفت شناسی در قرآن، قم، اسراء، ج ۴، ۱۳۸۶.
۸. حرانی، علی ابن الحسین ابن شعبه، تحف العقول، تهران، انتشارات کتاب فروشی اسلامی، ۱۳۶۰.
۹. رازی، ابوالفتح، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیرالقرآن، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱.
۱۰. رازی، ابوالفتح، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیرالقرآن، مشهد، بنیاد پژوهش های آستان قدس، ۱۴۰۷.
۱۱. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، رقم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴.
۱۲. شریعتی، علی (بی تا). اسلام شناسی، بی جا.
۱۳. صدرالدین شیرازی، اسفار اربعه، تصحیح، تحقیق و مقدمه مقصود محمدی، باشراف استاد سید محمد خامنه‌ای، تهران، انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۳.
۱۴. صدرالدین شیرازی، المشاعر، همراه با شرح لاهیجی، تصحیح سیدجلال الدین آشتیانی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، بی تا.
۱۵. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی، ۱۳۶۳ ش.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۱۷. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۹. عظیمه، صالح، معناشناسی واژگان قرآن، سید حسین سیدی، آستان قدس، ۱۳۸۶.
۲۰. فخر رازی، محمد بن عمر، تفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰.

۲۱. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۱.
۲۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم، موسسه دارالکتاب للطباعه والنشر، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۴.
۲۳. قمی، محمد بن محمد رضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۸۶.
۲۴. کلینی رازی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، اصول کافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ ۵، ۱۳۶۲.
۲۶. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، دار احیا التراث الاسلامی، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۳.
۲۷. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۰.
۲۸. مظفر، محمد رضا، المنط، ترجمه علی شیروانی، قم: دارالعلم، ۱۳۸۲.
۲۹. میبیدی، رشیدالدین، کشف الاسرار و عده الأبرار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱.
۳۰. هنری، حسام الدین، کنز العمال، بیروت، موسسه الرساله، ۱۳۹۹.